

خبر



وزارت اقتصاد:

اقتصاد ایران در دهه نود ۴۷٫۴ درصد کوچک‌تر شد

دولت سیزدهم وارث یک دهه بی‌عملی در اقتصاد بود و تلاش کرد با اقدامات اصلاحی تا حد زیادی به تغییر ریل اقتصاد کمک کند که نتیجه این تحرکات در رشد اقتصادی خود را نمایان کرد.

به گزارش ایرنا، وزارت اقتصاد در پاسخ به گزارش ۱۸ مردادماه ۱۴۰۲ روزنامه صمت با عنوان «تقریباً هیچ!» توضیح داد: دولت سیزدهم در شرایطی آغاز به کار کرد که اقتصاد کشور با مشکلاتی همچون ناترازی نظام بانکی و حجم گسترده بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، از بین رفتن سازمان تولید و کوچک شدن اقتصاد، نوسانات شدید ارزی درگیر بود.

دولت سیزدهم در حالی مدیریت اجرایی را به دست گرفت که اقتصاد ایران در دهه از دست رفته ۹۰، معادل ۴۷٫۴ درصد کوچک‌تر از قبل شد. تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات ۶۱٫۵ درصد و تشکیل سرمایه در ساختمان ۴۱٫۳ درصد کاهش یافته بود و نتیجه این اتفاق، کاهش شدید سرمایه‌گذاری و ظرفیت رشد اقتصادی در این دهه است.

همچنین شاهد جذب سرمایه‌های ایرانی به سمت بازارهای سوداگری و دلالی در این دهه بودیم اما با آغاز به فعالیت دولت سیزدهم، اولویت اصلی تحرک بخش حقیقی اقتصاد و متغیرهای سمت تولید بود. دولت نه به بهای تحمیل رکود بر اقتصاد بلکه با ایجاد یک تعادل میان کنترل متغیرهای اسمی و رونق متغیرهای حقیقی به دنبال کاهش تورم و رونق اقتصادی در کشور است.

نتیجه این اقدامات نیز جهش شدید تشکیل سرمایه در ۲ سال اول فعالیت دولت سیزدهم بود به طوری که در سال ۱۴۰۱ ۶٫۷ درصدی داشتیم. از جمله مهم‌ترین نتایج این جهش در افزایش اندازه اقتصاد ایران، تأثیر بر نرخ بیکاری کشور است که به عدد بی‌سابقه ۸٫۲ درصد در بهار امسال کاهش پیدا کرد.

یکی دیگر از مواردی که مویذ تحرک و پویایی اقتصاد ایران پس از آغاز به کار دولت سیزدهم است، تحقق بودجه عمرانی کشور در سال ۱۴۰۱ است که با تحقق بیش از ۱۰۰ درصدی به عدد ۲۷۳ هزار و ۸۱۶ میلیارد تومان رسید.

نتیجه این تحرکات در رشد اقتصادی خود را نمایان کرد؛ دولت سیزدهم در شرایطی کشور را تحویل گرفت که متوسط رشد اقتصادی در یک دهه متوالی نزدیک به صفر بود اما در دو سال متوالی، رشد پایداری را در کشور تجربه کرده‌ایم.

در سال ۱۴۰۱ مرکز‌آمار اعلام کرده است که کشور رشد ۴٫۵ درصدی بدون نفت و ۴٫۸ درصدی با نفت داشته و همچنین در سال ۱۴۰۰ نیز رشد بدون نفت معادل ۴ درصد و رشد با نفت معادل ۴٫۸ درصد بوده است.



اصرار دیوان عدالت اداری بر ادامه تحصیل متقلبان کنکور

تاوان ایستادن در برابر تخلف

گزارش

انسداد مسیر تخلف در هر سرزمین و با هراعتقادی گرچه مورد تأکید و تقدیر است، شواهد انفصال از خدمت رئیس سازمان سنجش اما نشان از بدعتی تازه داشته، هزینه ایستادن در برابر تقلب را بالا برده و به تناقضاتی دامن زده است.

به گزارش ایرنا، «تقلب» و «انفصال از خدمت» کلیدواژه‌هایی هستند که این روزها با جست‌وجوی نام «عبدالرسول پورعباس» رئیس سازمان سنجش آموزش کشور روی صفحه جست‌وجو نمایان می‌شود. حساسیت مردم بر این واژه‌ها از یک سو و سازمانی که پورعباس رئیس آن است از سوی دیگر، ابهاماتی را برای افکارعمومی به وجود می‌آورد که در این گزارش سعی شده به آنها پاسخ داده شود.

داستان از چه قرار است؟

مدت زمان زیادی از تیترو بولد شدن موضوع تقلب در کنکور سراسری در رسانه‌های رسمی و شبکه‌های اجتماعی نگذشته و هنوز واکنش‌ها به این موضوع ادامه دارد و تلخی هشتک‌های منتشر شده، حساسیت بالای افکارعمومی به این موضوع را حکایت می‌کنند. مجموعه دولت و سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان متولی برخورد با این تخلفات تمام تمرکز و توان خود را به کار گرفته‌اند تا ضمن حراست از حیثیت سازمان سنجش، دانشگاه را هم به عنوان مرکز آینده‌ساز کشور از هرگونه شائبه تخریفی مبری کنند. میانه این تکاپوها اما حکم انفصال از خدمت رئیس سازمان سنجش، شوک بزرگ وارد شده به جامعه است.

تیرماه سال جاری، زمانی که پورعباس در مقابل دوربین‌های رسانه ملی نشست و با افتخار اعلام کرد که در آزمون دی‌ماه (۱۴۰۱) حتی یک مورد تقلب و تخلف به سازمان سنجش گزارش نشده است، یا زمانی که در همان ایام تصریح کرد که هیچ دانشجو یا داوطلب شبهه‌دار آزمون‌های سراسری ۱۴۰۰ و ماقبل آن که رأی قطعی مبنی بر محکومیت از هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات آزمون‌های سراسری دریافت کرده است، امکان ادامه تحصیل در دانشگاه را نداشته است، تصور

نمی‌کرد به فاصله یک ماه پس از آن، به حکم دیوان عدالت اداری از مسئولیت خود برکنار شود. در واقع هیچ‌کس چنین انتظاری نداشت اما نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از پذیرفته‌شدگان شبهه‌دار در دانشگاه‌های کشور، با سوءاستفاده از برخی رویه‌های اشتباه گذشته بستر این اتفاق را رقم زدند، گرچه هنوز انفصال قطعیت پیدا نکرده اما تا همین جا هم بدعتی خطرناک گذاشته شده که طی آن تنبیه کسی که در برابر تقلب ایستاده، جایگزین مجازات فرد متقلب شده است.

داستان این بدعت از جایی آغاز می‌شود که این افراد پس از ایستادگی و ممانعت رئیس سازمان سنجش در برابر حضور آنها در دانشگاه به عنوان دانشجوی رشته‌های حساسی چون پزشکی، چندین شکایت رسمی ثبت کرده و با مراجعه به کمیسیون اصل ۹۰

مجلس و چند تن از مسئولان، تلاش کردند، بار دیگر به دانشگاه بازگردند. این درحالی است که هم هیأت بدوی و هم تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات آزمون‌های سراسری، آنها را به دلیل تقلب در آزمون محکوم کرده است.

این گروه مدعی بودند، در قانون رسیدگی به تخلفات، لفظ «داوطلب» استفاده شده و آنها در حال حاضر «دانشجو» محسوب می‌شوند. بنابراین این محکومیت قطعی شامل حال آنها نخواهد بود. در تداوم این تقلاها، شهریور ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی، طرح استفساریه تعدادی از نمایندگان درباره تفسیر عنوان «داوطلب» و «دانشجو» درباره ماده ۱۱ قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم آزمون‌های سراسری را تصویب کرد و در دوم مهرماه همان سال برای اجرا، ابلاغ و ۱۵ روز پس از انتشار در روزنامه رسمی لازم‌الاجرا شد. با

تصویب این استفساریه داوطلبان محکوم سال ۱۴۰۰ و سال‌های پیش از آن، با این تفسیر که طبق استفساریه ماده ۱۱ قانون رسیدگی به تخلفات آنها می‌توانند به تحصیل بازگردند، بار دیگر دست به دامن دیوان عدالت اداری شدند و این درحالی است که رأی تجدیدنظر هیأت رسیدگی به تخلفات، پیش از ابلاغ قانون استفساریه (۲ مهر ۱۴۰۱) صادر شده و براساس نظریه تفسیری شورای نگهبان درباره عدم تسری قوانین تفسیری نسبت به پرونده‌های مختومه شده گذشته، محکومیت این افراد قطعی خواهد بود.

دلیل قانونی و متقن سازمان سنجش سبب شد که دیوان عدالت اداری هم آرای هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر این نهاد را تأیید کند. با این حال چند مورد دستور موقت برای بازگشت به تحصیل دانشجویان شبهه‌دار آزمون

تناقض‌های خطرناک یک حکم

ادعا که مراجعه‌ای صورت نگرفته و یا مستنداتی برای عدم اجرای دستور موقت ارائه نشده است نیز صحت ندارد.

با چنین توصیفی از روند پرونده، پرسشی که در افکارعمومی پیش می‌آید این خواهد بود که چرا با وجود توضیحات متعدد و متقن سازمان سنجش، پورعباس به عدم حضور و پاسخگویی متهم شده است. پرسش مهم دیگر این است که هیأت رسیدگی به تخلفات، مسئولیت خود را درست انجام نداده است؟ در این صورت چرا حکم صادره از سوی این هیأت در چند نوبت مورد تأیید دیوان عدالت اداری قرار گرفته است؟ اگر هیأت رسیدگی وظیفه خود را به درستی انجام داده است، چرا دیوان، رئیس سازمان سنجش را به دلیل اجرای حکم هیأت رسیدگی، از خدمت منع کرده است؟ اگر استفساریه پس از مختومه شدن این پرونده ابلاغ شده، چرا دیوان در پی گشودن مجدد پرونده علیرغم منع قانونی است؟

در بیانیه سازمان سنجش به این موضوع اشاره شده که براساس دستور موقت دیوان، شاکي جهت ادامه تحصیل باید به دانشگاه معرفی شود در حالی که این فرد در هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات آزمون‌های سراسری مطابق قانون رأی قطعی مردودی دریافت کرده است و با این رویه، پرونده تعداد دیگری از شاکیان که در همین شعبه و با همین مسیر در حال طی شدن است، با اجرای این دستور موقت، دچار مشکل شده و سایر مشمولان این رأی که به صورت شبکه‌ای با هم در ارتباط هستند نیز همین شیوه را به کار گرفته و وارد دانشگاه می‌شوند.

دیوان اعلام کرده است که موضوع پرونده



دیوان عدالت اداری در

حکمی عجیب رئیس سازمان سنجش را به علت مقابله با تقلب در کنکور، محکوم به انفصال از خدمت کرده است

شعبه هم عرض ارجاع می‌کند و رأی صادرشده قطعی است.

استدلال سازمان سنجش و پورعباس هم مشخص و از این قرار است که: این افراد به استناد حکم قطعی هیأت‌های بدوی و تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات آزمون سراسری، دانشجو نیستند و از دانشگاه اخراج شده‌اند و رئیس سازمان سنجش دقیقاً به دلیل اجرای این حکم و ممانعت از ورود افراد متخلف به ساحت دانشگاه حکم انفصال از خدمت گرفته است.

موضوعی که سخنگوی دولت هم در نشست‌ی به آن اشاره و تصریح کرده است که دولت در حوزه مقابله با تقلب در کنکور پیشگام بود و به این دلیل که هم متقلبان را شناسایی کرد و هم نگذاشت که ادامه تحصیل بدهند، «علی‌بهداری چهرمی» دلیل انفصال از خدمت رئیس سازمان سنجش از سوی دیوان عدالت اداری را برخورد پورعباس با متقلبان کنکور، ارزیابی و تأکید کرده است که دولت با قدرت ایستاده و از ورود متقلبین به دانشگاه جلوگیری می‌کند. این رویه از سوی نمایندگان مجلس هم به چالش کشیده شده است. «علیرضا منادی» رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با بیان اینکه مجلس به ماجرای انفصال از خدمت رئیس سازمان سنجش آموزش کشور ورود خواهد کرد، گفته است: پورعباس همواره به دنبال احقاق حقوق مردم بوده است.

سراسری سال ۱۴۰۰ و ماقبل آن صادر شده که محکومیت آنان در هیأت‌های رسیدگی به تخلفات آزمون‌های سراسری قطعی شده است و همچنین برای حدود ۷۰ نفر رأی اعمال ماده ۷۸ قانون دیوان عدالت اداری صادر شده است. تقلای این گروه از متخلفان آزمون سراسری سال‌های ۱۴۰۰ و پیش از آن، با وجود محکومیت در شعب بدوی و تجدیدنظر دیوان عدالت اداری، با خوبی را آغاز کرده و در مقابل ورود غیرقانونی متخلفان به دانشگاه‌ها هم مقاومت جدی داشته است. با روشن‌تر شدن جزئیات اقدامات رئیس سازمان سنجش، در روزهای آینده شاهد حمایت گسترده‌تر از پورعباس هم خواهیم بود اما آنچه بیش از هر چیزی اهمیت دارد، ایستادن در برابر تخلف به هر شکل و طریقی است.

«شبهه» و نه «تقلب» در آزمون است که در پاسخ به این محور سازمان سنجش در اطلاعیه خود تصریح کرده است: در مورد تفاوت داوطلبان

مقلب و شبهه‌دار که در اطلاعیه دیوان عدالت اداری به آن اشاره شده است قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمون‌های سراسری در این زمینه شفاف بوده و در ماده ۱۱ این قانون تصریح شده است که وضعیت داوطلبان شبهه‌دار در آزمون مجدد مشخص و تعیین تکلیف می‌شود که در مورد داوطلبان مذکور نیز این مراحل به صورت کامل طی شده و چون نتوانستند حداقل حد نصاب علمی را در دو یا سه درس آزمون مجدد به دست آورند، به عنوان مردود علمی شناخته و قبولی آنها ابطال شده است. بنابراین با توجه به آرای هیأت‌های رسیدگی به تخلفات آزمون‌های سراسری، دانشجو نبوده‌اند که مشمول استفساریه مجلس شوند.

با این توصیف می‌توان پرسید اگر موضوع پرونده یا پرونده‌ها صرفاً شبهه بود، چرا هیأت رسیدگی به تخلفات در بررسی‌های متعدد، به نتیجه‌ای جز تقلب و تخلف نرسیده است؟ اینکه تعدادی از متخلفان با استناد به برخی رویه‌های اشتباه گذشته، به محیط مقدس دانشگاه راه یافته و پس از اثبات تخلف، مجبور به خروج از این محیط شده و در شکایات خود به ابهامات واژه‌ها در قانون چنگ زده و از آن استفاده کنند، نباید مسیر دیوان عدالت اداری را در رسیدگی منطقی به این نوع پرونده‌ها محدود سازد.

واقعیت آن است که اگر قرار بر این مدار باشد که افرادی با وجود محکومیت قطعی، با رویه‌هایی عجیب در مقام شاکي قرار گرفته و سازمان سنجش را متهم جلوه دهند، سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و قربانی اصلی آن

امیدیهایی خواهد بود که در جوانان کنکوری خواهد پژمرد. بی‌اعتمادی جامعه به رویه‌ها و دستگاه‌های اجرای قانون، متخلفان را در تخلف مصمم‌تر می‌کند و این رویه در صورت تداوم می‌تواند به بخش‌های دیگر هم تسری یافته و چالش‌آفرین باشد.

مبارزه با فساد که تقلب و تخلف هم نمونه آشکار و غیرقابل انکار آن است، مورد تأکید همه دلسوزان نظام و کشور بویژه رهبر معظم انقلاب است. همراهی سه قوه و همه نهادها و سازمان‌های مسئول در این زمینه می‌تواند اعتماد و امید مردم بویژه جوانان را به تلاشی بهتر برای ساخت آینده کشور افزایش دهد. از این رو اصلاح رویه‌های اشتباه مانند آنچه تا پیش از این درباره متقلبان کنکور صورت می‌گرفت و آنها راهی دانشگاه می‌شدند تا زمانی که تخطفشان محکوم شود! می‌تواند شروعی برای پایان رانت و تقلب و تخلف در این حوزه باشد به شرط آنکه این اصلاح رویه‌ها قربانی

هباهوها و اختلاف سلاقی نشود. دولت در این زمینه همیشه پیشگام بوده و از دیگر قوا هم چنین انتظاری دارد اما کار زمانی دشوار می‌شود که نهادهایی چون دیوان عدالت اداری که باید بازوی فکری و عملی قوا در پیشبرد برنامه‌ها و ناظر درستی اجرای آنها باشد، تنها در دو ماه گذشته چند حکم انفصال و برکناری علیه مدیران دولت سیزدهم را صادر کرده است که در خوشبینانه‌ترین تحلیل، برای هفته‌ها، تمرکز و توان اجرایی این مدیران را تحت تأثیر قرار داده است. شیوه‌ای که در پی تداوم آن، دولت در مسیر اصلاح رویه‌ها نه تنها همراهی نمی‌شود بلکه با چالش‌های عجیبی هم دست و پنجه نرم خواهد کرد.